

گفتگو با مهندس هیمن سیدی

پیرامون تر فوق لیسانس "طراحی آرامگاه و مجموعه علمی - پژوهشی قاضی محمد"

هیمن سیدی در سال ۱۳۵۳ در مهاباد به دنیا آمده است. تحصیلات متوسطه را تا دیپلم ریاضی فیزیک در همان شهر به پایان رساند. در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه همدان و در رشته معماری تحصیلات خود را ادامه داد. در دوران دانشجویی به دلیل فعالیت‌های سیاسی و حضور در جنبش دانشجویی برای ۳ بار متوالی بازداشت و به زندان افتاد، اما علیرغم این مشکلات همچنان تحصیلات خود را ادامه داده و در سال ۱۳۷۹ با درجه عالی موفق به اخذ فوق لیسانس معماری شد. از سال ۱۳۸۰ نیز به صف مبارزین ح.د.ک. پیوسته است. وی هم‌اکنون همزمان با انجام وظایف حزبی در دانشگاه صلاح‌الدین اربیل به تدریس معماری و شهرسازی نیز می‌پردازد.

كاك هیمن! لطفاً نخست کمی در مورد تر پایان‌نامه‌ات برای ما توضیح بدهید؟

ج: خیلی ممنوم از فرصتی که در اختیار من قرار دادید تا در مورد تر آرامگاه پیشوا قاضی محمد مختصری شرح دهم. موضوع این تر در زمستان سال ۷۹ ارائه شد. طراحی آرامگاه و مجموعه علمی - پژوهشی قاضی محمد است که سایت آن در مهاباد و در دامنه کوه "داشان مجید" واقع شده است. این طرح شامل آرامگاه زنده‌یاد قاضی محمد و چندین ساختمان است که در مقابل آرامگاه و در دامنه کوه واقع شده و شامل ساختمانهای شورای شهر، انجمن ادبی انستیتوی مهاباد و همچنین یک سینما تئاتر Teater، سالن کنسرت music، کتابخانه و موزه آثار باستانی می‌باشد. علاوه بر این ساختمانها، فضای وسیعی نیز برای تجمعات مردمی در مراسم و مناستهای ملی در نظر گرفته شده است. Platform که مشرف به آرامگاه می‌باشد و در انتهای آن بنای یادبود Monoment واقع شده است. در کل، این مجموعه دارای وسعت ۴۵۰۰۰ مترمربع است که ۶۵۰۰ مترمربع، زیربنای ساختمانها می‌باشد.

دلیل انتخاب این موضوع برای پایان‌نامه‌ات چه بود؟ آیا مسائلی چون شخصیت زنده‌یاد قاضی محمد یا موقعیت این آرامگاه در شهر مهاباد و یا احساسات و یا تعهدات ملی باعث شد که رساله فوق لیسانس را به آن اختصاص دهید؟

ج: در واقع هر سه موضوع (شخصیت قاضی محمد، شور و تعهد ملی و همچنین موقعیت ویژه مهاباد) از عوامل انتخاب موضوع پروژه بودند. همچنانکه در مقدمه تر اشاره کرده‌ام، یکی از رسالتهای روشنفکران و هنرمندان یک ملت، تلاش برای جاودانی کردن بزرگان است. در شرایطی که دشمنان خلق کرد سعی می‌کنند یاد رهبران و قهرمانان را از اذهان مردم پاک کنند و با قدرت و زور و حتی تحریف تاریخ، افکار انسانها را به آن سویی که خود میل دارند سوق دهند، این رسالت روشنفکران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از زمان شهادت زنده‌یاد قاضی محمد تاکنون رژیمهای سلطنتی و جمهوری اسلامی حاکم در ایران از هیچ اقدامی برای خدشه‌دار کردن پیشوا و یا به فراموشی سپردن ایشان دریغ نکرده‌اند. در واقع این پروژه ضمن تلاش برای تجلیل از پیشوا قاضی محمد، واکنشی نیز به اقدامات مذبحخانه‌ای بود که در این راستا صورت می‌گرفت.

راجع به موانع و مشکلات پیش روی این تر نیز اشاره‌ای بکنید؟

ج: من به آن بخش از سختیها و دشواریهای پیش روی هر تر فوق لیسانسی است، نمی‌پردازم و فقط بر این بسنده می‌کنم که این پروژه می‌بایست از لحاظ علمی و هنری از سطح بالایی برخوردار می‌بود تا در شأن زنده‌یاد قاضی محمد باشد که خوشبختانه چنین نیز شد و پس از ارائه تر در دانشگاه از سوی هیأت داوران با درجه "عالی" مورد قبول واقع شد. اما دشواریهای اصلی این پروژه مسائل جانبی پروژه بود: اولاً "نمی‌دانستم که موضع دانشگاه نسبت به این پروژه چه خواهد بود! دوماً" اگر برخورد رژیم با این موضوع قابل پیش‌بینی بود، تشخیص میزان و نحوه برخورد آن، کار آسانی نبود! سوماً" موقعیت سیاسی من مسأله را

پیچیده‌تر کرده‌بود. من يك سال قبل از ارائه این پروژه در دادگاه انقلاب سنندج به اتهام اقدام علیه امنیت به دو سال زندان تعلیقی محکوم شده‌بودم. به این معنی اگر این پروژه کوچکترین محکومیتی را برای من در پیش می‌داشت، این محکومیت تقلیدی نیز به آن افزوده می‌شد. با تمامی این اوصاف و علیرغم وجود چندین مشکل دیگر، من تصمیم گرفته بودم به هر قیمتی این تز را به پایان برسانم.

كاك هيمن! موضوع این تز دارای محوری علمی فرهنگی است. اما همزمان با يك موضوع سیاسی - تاریخی خلق کرد نیز مرتبط است. با توجه به اینکه مقامات رژیم در برابر هر پدیده‌ای که رنگ و بوی ملی داشته باشد ضدیت به خرج می‌دهند، بخصوص در مورد شخصیتی چون قاضی محمد که هنوز هم رهروان راه این شخصیت بزرگ در سنگر مبارزه علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، آیا شما واقعاً نگران برخوردها و واکنشهای رژیم نبودید؟ و یا اینکه آنان مانع تصویب و اجرای طرح مذکور شوند؟

ج: وجود این نگرانی کاملاً طبیعی و بدیهی است. همانطور که اشاره شد برخورد رژیم با این پروژه قابل پیش‌بینی بود. من این برخوردهای احتمالی را به دو مقطع زمانی تقسیم کرده بودم. قبل از ارائه پایان نامه و بعد از آن. اگر رژیم قبل از ارائه تز از آن مطلع می‌شد و جلوگیری می‌کرد که پروژه و تمامی اهداف و انگیزه‌های آن کاملاً ناکام می‌ماند. بنابراین من بخشی از تمرکز خود را بر این نهاده بودم که تا ارائه تز، غیر از تعداد کاملاً محدودی از دوستان و نزدیکان قابل اعتماد، افراد دیگری مطلع نشوند. اما راجع به برخوردهای پس از فارغ‌التحصیلی، من واقعاً بی‌اعتنا بودم. چون یقین داشتم دستاوردهای بزرگ این تز و همچنین مطرح شدن آن در بین محافل و افکار عمومی، ارزش به جان خریدن خطرات آن را داراست.

در ارتباط با اجرای پروژه و احتمال جلوگیری از آن، این توضیح لازم است که از همان آغاز کار نیز، هیچ امیدی به اجرای پروژه در زمان حاکمیت جمهوری اسلامی نبود. برای من تنها مطرح شدن این تز و ایجاد انگیزه برای دانشجویان کرد - در رشته‌های مختلف - برای اهتمام ورزیدن به موضوعات ملی و همچنین روی آوردن موضوع تزه‌های فوق لیسانس و دکترای این دانشجویان به کردستان، مهمترین دستاوردهای ممکن بود. همچنین ادای دین به شخصیت بزرگترین رهبر تاریخ کرد، زنده‌یاد پیشوا قاضی محمد.

در این ارتباط عوامل رژیم چه برخوردها و اقداماتی را انجام دادند؟ واکنش‌شان چه بود؟

ج: با جرأت می‌توان گفت که رژیم کاملاً غافلگیر و آشفته شده‌بود. تا آن زمان که يك مبحث دانشگاهی و بخصوص يك مقوله ظاهراً فنی و مهندسی برای آنان پیش نیامده بود. انعکاس وسیع ارائه این تز در چندین تلویزیون و رادیو و مجلات داخلی و خارجی آنها را مجبور به اقدام سریع کرد. ابتدا نمایشگاه تز را که در مهاباد برپا شده‌بود - تنها چند ساعت پس از افتتاح - بستند. تمامی پوستره‌های نمایشگاه را که در سطح شهر پخش شده بود، جمع‌آوری کردند و نهایتاً مرا برای پیگیری موضوع که به تهران رفته‌بودم بازداشت و پس از چند روز به زندان سنندج منتقل کردند. بیشترین فشار و اصرار آنها این بود که من در يك مصاحبه تلویزیونی به اصطلاح ابراز ندامت کرده و اعتراف کنم که عامل دست بیگانگان بوده‌ام که خوشبختانه موفق نشدند. پس از مدتی و با حمایت‌های قابل تقدیری که مدیران دانشگاه از من کردند، مجبور شدند که به قید ضمانت آزاد کنند. اما مدتی بعد از این بهانه که این بار رادیو صدای کردستان ایران (رادیو حزب دمکرات کردستان ایران) به معرفی و تجلیل این پروژه پرداخته مجدداً و این بار با عصبانیت تمام مرا بازداشت کردند که این بار نیز نتوانستند کاری از پیش ببرند. آنها از استقبال افکار عمومی از این پروژه که در ابراز لطفی که مردم در حق بنده می‌کردند، نمود پیدا می‌کرد بر آشفته می‌شدند و به قول خودشان و در پی بهانه‌های محکمه‌پسند برای انتقام بودند. چند ماه پس از ادامه‌یافتن این شرایط و احساس خطر زیادی که می‌کردم با پیشنهاد و توصیه‌های مکرر دوستان، من ایران را ترك کردم و در کردستان عراق رسماً به صفوف فعالین حزب دمکرات کردستان ایران پیوستم که این واقعاً سعادت برای من بود که اکنون نزدیک به ۳ سال است که افتخار عضویت در این حزب و مبارزه جدی و علنی با جمهوری اسلامی را دارم.

كاك هيمن! اين تز شما هم از لحاظ فنى و مهندسى پروژه‌اى با ارزش است و هم از لحاظ محتويات و موضوع آن داراى اهميت ويژه‌اى است چه برنامه‌اى در آينده براى اين پروژه داريد؟ چه آرزويى را در سر مى‌پرورانيد؟

ج: نخست بايد به اين نکته اشاره كنم كه پس از اين پروژه من با دنياى معمارى فاصله نگرفته‌ام و با تمهيداتى كه دفترسياسى حزب فراهم كرد من اين فرصت را داشته‌ام كه همزمان با فعاليتهاى سياسى، با دانشكده معمارى دانشگاه صلاح‌الدين اربيل نيز همكارى داشته باشم و در حال حاضر بر روى چندين موضوع ديگر كه البته همه در راستاى منافع مىلى و خدمت به معمارى و تاريخ ملت خواهند بود، كار مى‌كنم. اما در مورد اين پروژه طبيعتاً بزرگترين آرزوى من اجراى اين طرح است. اما اين نکته نيز فراموش نشود كه اگر احتمالاً در آينده و پس از آزادى خلق كرد در ايران و در فضاى ديمقراطيك، معماران دلسوز و روشنفكر طرحى بهتر و شايسته‌تر از اين پروژه را تهيه كنند، من اصرارى بر اجراى اين پروژه نخواهم داشت. در اين حالت باز از ارزش اين پروژه كم نخواهد شد. در نهايت آنچه كه اهميت دارد خلق شاهكارى معمارى در شأن زنده‌ياد قاضى محمد است كه يقين دارم روزى مردم كردستان شاهد آن خواهند بود.

در پايان از اينكه وقت خود را براى گفتگو در اختيار ما قرار داديد ممنونيم.

ج: من نيز از شما و ساير دست‌اندركاران سايت "كردستان ميديا" نهايت سپاس را دارم. اميدوارم كه پس از پيروزي خلقهاى ايران و سرنگونى رژيم جمهورى اسلامى، بدون حتى يك روز وقفه طرحهاى آبادانى و عمران كردستان آغاز شود و ملت كرد شاهد پيشرفت و رشد چشمگير شهرها و روستاهائى ميهنشان باشند.